

# گفت‌وگویی دین هندو و مسیحیت از نگاه یک هندو\*

گفت‌وگویی بین هندوئیسم و مسیحیت، طی سه دهه اخیر همواره علاقه مرا به خود جلب کرده است. تصور می‌کنم تحقق گفت‌وگو میان این دو دین - و البته میان تمام ادیان جهان - در آغاز قرن بیست‌ویکم میلادی، بیش از هر زمان، ضروری است. اما ابتدا باید بیان کنم که مسیحیت و هندوئیسم نزد من به چه معناست و پس از آن به این نکته بپردازم که اهتمام به گفت‌وگویی میان دین هندو و مسیحیت چگونه بر درک من از هر دو سنت تأثیر نهاده است.

من درسهایی اولیه دین هندویی را از والدین خود که هندوهایی مخلص بودند آموختم. در حالی که نخستین آشنایی‌ام با مسیحیت در اواخر چهل سالگی بود، یعنی زمانی که تحت تأثیر مهاتما گاندی به همراه تعدادی از دانشجویان در دانشکده‌های هند به مطالعه تطبیقی کتاب مقدس و بهگود گیتا پرداختیم. من به پژوهش خود ادامه دادم و این موضوع محور کارم شد. زمانی که عضویت بنیاد صلح گاندی را در دهلی پذیرفتم تا به مطالعه درباره تفکر دینی گاندی بپردازم، مراوداتی با پیروان هندو و مسیحی گاندی برقرار کردم که برایم بسیار پربرکت بود.

همچنین این فرصت را داشتم که به پژوهش تا حدی تفصیلی درباره سایر ادیان بپردازم. به‌علاوه، چون در اوایل دهه شصت در دانشگاه هاروارد دانشجوی دکترا بودم در برخی از کلاسهای اخلاق، تاریخ و الهیات مسیحی شرکت کردم که به من در شناخت مسیحیت در زمینه‌ای مساعد، کمک کرد.

من به گونه‌ای عمیق سنت دینی خود را می‌ستایم، اما هرگز خواهان آن نیستم که دین هندویی تنها دین جهان باشد. همچنین نیازی نمی‌بینم که چشم خویش را بر نواقص آن بیندم. درواقع ادیان بزرگ دیگری وجود دارند که





سناگیری رانو\*\*  
ترجمه حجت‌الله جوانی

فرهنگها، ادیان و مردمان از نو مشخص کنند و خود را از پاره‌ای تداعیهای ناخوشایند تاریخی برهانند. در عین حال، آسیایی‌ها به سبب آنچه در گذشته توسط ملل مسیحی بر آنها رفته است هنوز هم قادر به ارزیابی صحیح مسیحیت نیستند. الهیات سنتی که در انزوای دینی رشد یافت، دیگر کفایت نمی‌کند. به لحاظ تاریخی، مسیحیت نظیر هر دین دیگری، دینی خاص اما دارای پیامی جهانی است. هر دینی برای جهانی شدن باید از حدود خود فراتر رود. دین مسیحی امروزه از درون خود برای هم‌سخنی با پیروان سایر ادیان دچار چالش است.

پطروس، رهبر رسولان اعلام می‌کند: «فی الحقیقه یافتیم که خدا را نظر به ظاهر نیست. بلکه از هر ملتی هر که از او بترسد و عمل نیکو کند نزد او مقبول گردد» (اعمال رسولان، ۳۵-۳۴: ۱۰). در قرون اخیر محققانی هستند که از رؤیت سایر منزلها در عمارت خداوند احساس شرم نمی‌کنند. به سبب کوششهای رهبران دوردانشی نظیر پاول دواناندن، استانی سامارتا، جان تیلور، دان بد گریفیت و دیگران فضا بسیار مهیابر شده است. شورای جهانی کلیساها در عرصه گفت‌وگوی بین ادیان پیشرو بوده است. من در بیشتر کنفرانسهای مهم بین ادیان و گفت‌وگوهای هندوها شرکت کرده‌ام که شورای جهانی کلیساها، کنگره جهانی ادیان، معبد شناخت و کنفرانس جهانی دین و صلح آنها را ترتیب داده بودند. برای مثال به عنوان مهمان هندو در پنجمین گردهمایی شورای جهانی کلیساها در سال ۱۹۷۵ در نایروبی شرکت کردم. همچنین دستیار مدیر شورای بین‌المللی هندو-مسیحی بودم که شورای جهانی کلیساها در سال ۱۹۸۱ در دهرادون هند برگزار کرد و نماینده هندویی البته بدون حق رأی در کنفرانس

خدمات آموزشی و تربیتی، جملگی به مثابه ابزارهایی برای جلب پیروان جدید به کار می‌رفت. پاسخ هندوها به انتقادات مذکور نوعاً چنین بود: سنایش دین خویش و نکوهش دین و ایمان دیگران به سبب فقدان همدلی و درک صورت می‌گیرد. هر دینی نظیر هر شکل هندسی دارای منطق ذاتی و سازگاری درونی خویش است. زمانی انسان می‌تواند دینی را تحسین کند که منطق درونی آن را درک نماید. مثلاً هندوها یک خدا را (که ورای نامها و اشکال است) سنایش می‌کنند؛ خدایی که خویش را برای پیروانش در انبوه نامها و اشکال دست‌یافتنی می‌کند. از عصر ریگ‌ودا (که می‌گوید حقیقت یکی است و حکما آن را به نامهای مختلف می‌خوانند) تا شری راماکریشنا و مهاتما گاندی، اعتبار اسامی و اشکال مختلف خدای واحد، تأیید و تصدیق شده است. با عدم درک بین اصل اساسی هندویی، انتقاداتی از قبیل آنچه در بالا گذشت، در واقع بکلی این ویژگی را نادیده می‌گیرند.

تمایل مسیحیت به غلبه در دوره استعمار با همه امیدها و فرصتهایش توفیقی نداشت. مسیحیت عمدتاً به عنوان دین اقلیت در آسیا دوام یافت. این دین ناگزیر است در میان اکثریت غیرمسیحی به حیات خویش ادامه دهد. مسیحیان غربی فشارهای فرهنگی و ملی‌ای را که اقلیتهای مسیحی در آسیا با آن مواجه هستند، بخوبی ترک نمی‌کنند. مسیحیان آسیایی به وضوح وضعیتی موجود را مشاهده و تصدیق می‌کنند که جامعه بشری از نظر دینی متکثر است. آنان هیچ نشانه‌ای از جانشینی آجل یا عاجل مسیحیت به جای سایر ادیان مشاهده نمی‌کنند.

#### حال

می‌دانم که اخیراً برخی اندیشمندان و گروه‌های مسیحی به‌طور جدی می‌کوشند سنگینی فشارهای گذشته را رفع کرده و مواضع خود را نسبت به سایر

مشابه دین من از یکسو می‌کوشند با جریان خشونت، تروریسم، جنگ و ماتریالیسم مقابله کنند و از سوی دیگر در تلاشند تا از طریق آموزشهای معنوی و اخلاقی سعادت و رضایت مردم را پدید آورند.

#### گذشته

در روزگار گسترش استعمار قدرتهای غربی نظیر پرتغال، فرانسه، دانمارک و انگلیس، مسیحیت در هند نظیر بسیاری از کشورهای آسیایی دیگر، تماس موثری با سنن غیرمسیحی برقرار کرد. در نظر آسیایی‌ها، مسیحیت با امپریالیسم، غلبه استعماری، درجه‌ای از نژادپرستی و تا حدی فرهنگ غربی همراه بود و در نتیجه توسط عوامل مذکور ضایع شد. حتی سبک معماری و موسیقی کلیساها در مناطق تحت استعمار از سبک‌های غربی تقلید می‌کرد. این عوامل تاریخی برای ارزیابی صحیح از مسیحیت مشکلاتی پدید آوردند. به یاد دارم که طی دوره کوشش برای استقلال هند، این پرسش پیوسته مطرح می‌شد که چرا باید مسیحیت به هندوها عرضه شود؟ آیا غرب می‌خواهد به همان شیوه‌هایی که اقتصاد و سیاست هند را کنترل می‌کند به معنویت هندی هم «استیلا» پیدا کند؟

مبلغان مسیحی همواره حملات گزنده‌ای به هندوئیسم کرده، آن را به عنوان دینی خرافاتی و بت‌پرستی احمقانه‌ای که نباید جدی گرفته شود کنار نهادند. آنان از هندوها به عنوان مشرک، کافر و بت‌پرست یاد می‌کردند و به‌طور ضمنی معتقد بودند که ملل غربی صاحب دین و فرهنگی برترند. بنابراین غربیان به اعطای اعتقادات و نه دریافت چیزی ادامه دادند و هدف آنها گسترش مسیحیت بود. روشی که بیشتر استفاده می‌شد عبارت بود از بزرگ‌نمایی نقاط ضعف تفکر و عمل هندویی و کوچک جلوه دادن نقاط مثبت آنها. اعمال نیکوکارانه، ارتقای اجتماعی، امدادهای پزشکی یا



جهانی تبلیغ و انجیل بودم که این کنفرانس هم توسط شورای جهانی کلیساها در سان آنتونیوی تگزاس به سال ۱۹۸۹ برگزار شد.

شورای جهانی کلیساها با اهتمام به گفت‌وگوهای متعدد در سه دهه اخیر نشان داده است که مسیحیت در صد ترویج ایمان مسیحی برای دیگران و مبادله افکار با آنهاست. در گفت‌وگو با مسیحیان به درک

بیشتری از مسیحیت و همچنین سنت دینی خویش نایل آمده‌ام. البته مدتی طول کشید تا به درک تنوع در سنت مسیحی نایل شوم. به طور حتم قضاوت درباره مسیحیت بر اساس یک فرقه یا نهضت خاص دشوار است. در مسیحیت کاتولیکها، پروتستانها، پیروان ارتودکس شرق و در درون هر یک از آنها فرقه‌هایی که اغلب با هم هم‌نام نیستند، وجود دارد.

در اواخر دهه پنجاه میلادی هنگام پژوهش میدانی‌ام به بخش مسیحی روستایی در جنوب هند رفتم. با اهالی روستا و خانواده‌هایشان ملاقات کردم. طی پرس‌وجو متوجه شدم که آنها به هفت کلیسای مختلف تعلق دارند که درباره تواریخ کلیسای اطلاعات ناچیزی داشتند. بعضیها به کلیسای کاتولیک رم تعلق داشتند، اما نمی‌دانستند که رم کجاست.

بعضی دیگر پیرو کلیسای انگلیکان (کلیسای انگلستان) بودند، اما نمی‌دانستند انگلستان کجاست و قس علی‌هذا. در آن زمان متعجب بودم که مساعی کلیسای اروپایی در زمینه برقراری ارتباط عیسی مسیح با روستاییان هند چه کار می‌تواند بکنند. به عنوان یک فرد هندومذهب برای وحدت تمام کلیساهای مسیحی دعا می‌کنم.

مسیحیت متحد، دستاوردی معنوی برای جهان است. این اتحاد، زمینه هماهنگی فعالیتهای مسیحیان به نفع بشریت را فراهم می‌کند. از اشتراک فکری یا متفکران مسیحی خشنودم؛ متفکرانی که در پی آن بوده‌اند که نشان دهند خداوند در همه حوادث عالم و رای مرزهای کلیسای مسیحی عمل می‌کند. خداوند پیشتر در این عالم حضور داشته است، ما فقط محتاج به تصدیق و پاسخ‌دادن به حضورش هستیم. وقتی مسیح متعالی است هر امر جهانی در هر دینی نیز متعالی است.

من هدف مسیح را تغییر زندگی انسانها می‌دانم، نه صرفاً تغییر القاب دینی آدمیان. در جامعه متکثر دینی، از گفت‌وگو با مسیحیان دریافتم که نیاز به تصدیق یک خدا داریم ولیکن ادیان مختلف هستند. صورتبندی‌های الهیاتی بویا باید رفتاری منصفانه با کثرت‌گرایی دینی داشته باشند، به علاوه سنتهای معنوی جهان باید نقشی عظیم در جلوگیری از پیوند خشنونت مادی‌گرایی، شکاکیت و علم‌گرایی، که همه ادیان را به چالش می‌خوانند، ایفا کنند. به این معنا، مسیحیت و دین هندویی برای هماهنگ کردن

بشریت باید همراه و نه مخالف یکدیگر عمل کنند. بر حسب درک من از عهد جدید، محبت خداوند همه عالم را فراگرفته است. مسیح جهانی است هر چند ممکن است کلیساها انحصارگرا باشند. ملکوت خداوند شامل تمام بشریت است. شایسته‌های موجود بین تمثیلات و قطعات کتاب مقدس دین هندویی و مسیحی برای من شگفتی مطلوبی در پی داشت.

### مسیح از نظر دین هندو

عیسی مسیح جزء لاینفک هندوئیسم جدید است. نیروی مسیحیت در مراحل مختلف زندگی بسیاری از هندوها محسوس است. شیوه تأثیر مسیح بر زندگی هندوها و پاسخهای آنها به او متفاوت است: پاره‌ای از هندوها مسیح را یک «اوتار»<sup>۱</sup> می‌دانند؛ بعضی وی را «یوگی»<sup>۲</sup>، «ست گرو»<sup>۳</sup> و غیره... می‌دانند. مهاتما گاندی برای عیسی مسیح احترام زیادی قائل بود و آشکارا دین خود را به او بیان می‌کرد اما منکر محدود کردن عیسی مسیح به مرزهای این یا آن کلیسا بود.

هندوها به عیسی مسیح از منظر الهیاتی، اصول اعتقادی یا آموزهای دینی نمی‌نگرند. آنان به زندگی سرشار از عشق و رحمت وی توجه دارند. عیسی به سبب برخورداری از شکوه زندگی، نفس همدلانه و نگرش دیگرخواهانه و قربانی‌شونده‌اش نسبت به زندگی و عشق کاملاً مخلصانه و صادقانه‌اش، انسان برتر است. انقیاد تام عیسی نسبت به خداوند پیش از هر چیز فرد هندومذهب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه عیسی بیشتر از خویش تهی شد بیشتر خدا را کشف کرد. مسیحیت، چیزی که موجب باور و یا تصدیق قرار گیرد نیست، بلکه باید به نحو ملموس با آن زیست. از نظر هندوها عیسی مسیح نشانه برتری «من» به مثابه هدف جاودانگی و معنویت است. انسان روشن‌بین با چشم‌پوشی از خودِ حقیر و نخوت‌پیش از طریق تهذیب نفس و تعلق به خداوند به رهایی نایل می‌شود.

سمبل «ملکوت خداوند» در عهد جدید برای اصلاحگران متجدد هندو جاذبه‌ای قوی داشت. این سمبل بعد اخلاقی پیام را به آنها نشان می‌داد. تعالیم موعظه بر فراز کوه نظریه‌پردازی نبود بلکه مصادیق زندگی مسیح بود. مواردی از این سنخ که «ملکوت خداوند، به فقرا و فروتنان متعلق است. زجردیدگان و فروتنان شهروندان خدا هستند، برخورداران از قلبهای پاک او را می‌بینند، و ملکوت خداوند طعام و شراب نیست بلکه درستکاری، صلح و لذت در روح‌القدس است»، همگی بر هندوها تأثیر نهاده است. از منظر اجتماعی، ملکوت خداوند مستلزم ایجاد روابط درست بین نهادها و اجتماعات مردمی بود. اصلاحگران نوگرایی هندو این جنبه از

تعلیم مسیح را برای جامعه هند ضروری‌تر دانستند. اصلاحگران هندو کوشیدند این مطلب را تلقین کنند که معنویت مستلزم نادیده گرفتن فقر، بدبختی و جهل نیست بلکه مبتنی بر مواجهه و ستیز با آنهاست.

من دریافتم که درک و تجربه گاندی از دین مسیحیت مایه آشکار شدن ابعاد نویینی از حیات و شخصیت عیسی شد که غربیان پیشتر به این وضوح به آن پی نبرده بودند. او نشان می‌دهد که نیروی نفس چگونه فقط با سلاح حقیقت و عشق با شر می‌جنگد و بر آن غلبه می‌کند. اگرچه گاندی، که هندویی مخالف حکومت‌های مسیحی (چه در آفریقای جنوبی و چه در انگلستان) بود و از ساتیاگره<sup>۴</sup> استفاده می‌کرد، بسیاری از مسیحیان سراسر دنیا تصدیق می‌کردند که این جنبش‌ها در حقیقت مسیحی، یعنی تفسیر و احیای مجدد مسیحیت بودند. دکتر استلی جونز، مبلغ مسیحی مشهور امریکایی (در اثر خود به نام گاندی در یک تفسیر، ص ۱۵۰) می‌گوید: «در تاریخ بشریت هیچ‌گاه چنین نوری از یک انسان، انسانی که مسیحی هم نامیده نشد، ساطع نشده است. اگر مسیحیت به واسطه همنوایی با روشها و گرایشهای غیرمسیحی در حیات خصوصی و عمومی ضایع نشده بود ما بی‌درنگ شباهت بین روش گاندی و مسیحیت را می‌دیدیم.»

هندوها کتاب مقدس را به عنوان تنها متن مقدس عیسی مسیح را تنها ظهور خدای متجلی نمی‌پذیرند. اکنون هم هندوها کتاب مقدس (انجیل) و متون مقدس سایر ادیان را در کنار وادها به مثابه عطیه خداوندی می‌پذیرند. علیرغم تفاوت کلامی بین رهیافتهای مسیحی و هندویی، همکاری عملی برای غلبه بر خشنونت، جنگ، بی‌عدالتی، فقر و بیماری در جهان، بین آنها میسر است. در این رابطه، آیات ذیل از عهد جدید بسیار آموزنده هستند:

«و یوحنا جواب داده و گفت ای استاد، شخصی را دیدم که به نام تو دیوها را اخراج می‌کند و او را منع نمودیم از آن رو که پیروی ما نمی‌نماید. و عیسی به او گفت او را ممانعت نکنید زیرا هر که ضد شما نیست با شماست» (لوقا، ۵۰-۴۹: ۹).

می‌توانم بگویم هندوها مخالف عیسی مسیح نیستند بلکه به وی عشق ورزیده او را ستایش می‌کنند. علاوه بر این شیاطین زیادی هستند که باید بیرون شوند، هندوها و مسیحیان برای مغلوب کردن آنها باید با هم متحد شوند.

### رهیافت هندویی

هندوها در طول تاریخ در خصوص مسائل دینی روحیه‌ای جهانی داشته‌اند. آنها هرگز ادعا نکرده‌اند



که صاحبان انحصاری حقیقت هستند. درآمدن به کیش هندویی برای نیل به رستگاری ضروری نیست. هندوها به وجود نیروهای الهام بخش و نجات‌دهنده در همه ادیان بزرگ اذعان دارند. آنها همه انبیا و حکمایی را که برای هدایت بشر آمدند محترم می‌دانند. هندوها با ملاحظه زمینه تنوع نیازهای بشری معتقدند که ادیان بزرگ جهان برای رفع آن نیازها ضروری هستند. هندوها تمایل به آموختن از سایر ادیان را نشان داده‌اند. آنها در زندگی معنوی‌شان در کسب الهام از هر منبعی آزاد هستند. در واقع، سنت هندویی پیروان خود را تشویق می‌کند تا شیوه‌های دیگری (پیروان ادیان دیگر) در درک خداوند را گرامی بدانند. احترام نسبت به دین دیگران جزء اساسی پیش‌بینی معنوی دین هندویی است.

دین هندویی شاهد فراز و نشیب‌های تاریخ بوده است. این دین ادوار رشد و رکود را پشت سر نهاده است که بسیاری عناصر ارزشمند و همچنین ناملازمات بعضاً سوال‌برانگیزی را برای زندگی و اجتماع به بار آورده است. شرایط جدید، چالش‌های نوینی برای طرفداران آن پدید آورده در حالی که دوران قصورهای پیشین هنوز باید مورد توجه قرار گیرد. اما دین هندویی نیروهای برجسته احیای را به منصف ظهور رسانیده است. قדיسان و حکما پیوسته پیروان دین هندویی را به اصلاح جامعه و خویش از طریق تصفیه موارد نادرست، کنار نهادن بدعت‌های نامطلوب و حفظ اعمال و بینش‌های ارزشمند دعوت کرده‌اند. در این نوع مساعی، انتقادات و برخوردهای مسیحیان تأثیر فراوانی داشته است. هندوها همواره در قلمروهای گوناگون، انعطاف‌پذیر، صریح و کامیاب بوده‌اند. مثلاً در ایام نوجوانی‌ام اینکه افرادی از طبقات مختلف کنار یکدیگر کار کنند و با هم به صرف غذا بپردازند ناممکن بود، اما اکنون این تعصبات محو شده است.

هندوها هرگز مجموعه دینی سازمان‌یافته‌ای تشکیل نداده و در پی تبدیل کیش انسانها به یک سلسله عقاید خاص نبوده‌اند. به این معنی، پیروان دین هندو هیچ‌گاه رقیب مسیحیت یا سایر ادیان نبوده و نخواهند بود. آنان همواره با پیروان سایر ادیان همکاری و همراهی داشته‌اند. سنت هندویی نمونه‌هایی تاریخی از این شیوه همکاری عرضه کرده است. زمانی که یهودیان (پس از ویرانی دوم معبد اورشلیم توسط رومیان) و زرتشتیان (در سده هفتم زمانی که مسلمانان به ایران هجوم آوردند) در هند پناه گرفتند، هندوها آنان را به گرمی و همدلی در جامعه خود پذیرا شده و به آنان آزادی پرستش دادند. همین روحیه طی قرون تلوم یافت. هند در سال ۱۹۶۱ به دالایی لاما و یکصد هزار نفر از پیروان

تبتی‌اش، که مورد تهدید ارتش چین بودند، پناه داد. دکتر **رادها کریشنان**، رئیس‌جمهور سابق هند، در پاسخ به کسانی که از دلیل امر سؤال می‌کردند گفت: «ما نمی‌توانیم علیه سنت و تاریخ خود اقدام کنیم».

هندوها بر آنند که یوگا رقیب هیچ سنت دینی نیست. فنون مراقبه یوگایی به مشتاقان معنویت در همه ادیان مدد رسانده است. آن فنون به پیرو آیین هندو یا پیرو مسیحیت کمک می‌کند تا هندو یا مسیحی بهتری می‌شوند. پیروان سایر ادیان به این نکته اذعان دارند که در نتیجه تمرین‌های یوگا، ایمان بالقوه‌شان احیا شده است.

کلیسای مسیحی نظریه تناسخ (تولد روح پس از مرگ در قالب جسم جدید) را نمی‌پذیرد. در عین حال، در سال‌های اخیر تعدادی از متفکران مسیحی تناسخ را پدیده‌ای موجه دانسته‌اند در حالی که در همین زمان به استواری در چارچوب دین خویش باقی مانده‌اند. همچنین، آنها معتقدند که تناسخ در سنت مسیحی روزگار اولیه پذیرفتنی بود و حق خدای محبوب و مشفق را به جای می‌آورد. به یک کودک فرصت‌های کافی برای اصلاح اشتباهاتش داده می‌شود، خدا نمی‌خواهد که کسی گمراه شود. در دین هندویی آزادی معنوی از طریق حیات‌های مکرر کسب می‌شود. هر حیاتی فرصتی خدادادی برای پیشرفت بیشتر معنوی است.

نظریه تناسخ با آموزه کرمه<sup>۵</sup> (که بر اصل علیت اخلاقی تأکید می‌کند) رابطه تنگاتنگی دارد. هر کسی نه تنها باید محصول آنچه را که می‌کارد را برداشت کند بلکه آنچه او درو می‌نماید محصول کشت پیشین وی است. انسان تقدیر خویش را رقم می‌زند. همه مکاتب و فرق هندویی صدق و ارزش این آموزه را درک کرده‌اند. احیای این موضوع در حلقه‌های اجتماعی، دینی و فلسفی غرب در عصر حاضر اهمیت آن را نشان می‌دهد. نتایج نظرسنجی اخیر نشان می‌دهد که بیست‌وسه درصد از مردم آمریکا و اروپا به تناسخ باور دارند.

### آینده

۱. به لحاظ تاریخی، گفت‌گویی ادیان، شناخت‌های دینی را وسیعتر و عمیقتر کرده است. گفت‌وگوی فعال و تعاون بین دین هندویی و مسیحی فهم عمیقتر و بصیرت بیشتر را در پی خواهد داشت.

۲. حقیقت، چندسویه و فهم ما از آن ناقص است. بنابراین مطلوب است که عمیقاً به سنت دینی خود پایبند بوده و به آن وفادار باشیم در حالی که چشم خویش را به خداوند، که می‌تواند در سایر سنت‌های دینی در دسترس باشد، نبندیم.

۳. گفت‌وگوی هندو-مسیحی به درک معنای عمیقتری از شرافت ذاتی انسان بماهو انسان منجر

شده و نظام کاستی را در هند به نحو ملموسی ضعیف کرده است. ادغام نجسها در جریان کلی جامعه هندویی که توسط گاندی شروع شد موفقیت‌های فراوانی به همراه داشته است. تکالیف اجتماعی اهمیت بیشتری یافته‌اند.

۴. همان‌گونه که خدای جهان و انسانیت واحد است، هندوها و مسیحیت می‌توانند در این نکات با هم تلاقی و مشارکت کرده و حیات دینی بشر را تقویت کنند.

۵. گفت‌وگوی هندو-مسیحی ضروری است چون: الف) به منظور رفع سوء برداشتهایی است که درباره سنت یکدیگر دارند.

ب) برای دسترسی به فهمی واضحتر از تشابهات و تفاوت‌های هر دو سنت است.

ج) برای ارتقای اهداف معنوی و اخلاقی در هر دو دین صورت می‌گیرد.

۶. گفت‌وگوی هندو-مسیحی مؤید مطالب ذیل است:

الف) تفرقه دینی بد است، تعصب دینی بدتر.

ب) نوکیشی بد است و تبدیل وضعیت زندگی به شیوه‌ای متعالی‌تر ضروری است.

ج) هیچ سنت دینی نباید پیام خود را به نوعی مطرح کند که منجر به درگیری و خشونت شود.

### یادداشتها

\* مقاله حاضر در نشریه بوئن تحقیقات هندو-مسیحی (Hindu-Christian Studies Bulletin, No 2001, 14 به چاپ رسیده است. این نشریه، ارگان انجمن مطالعات هندو-مسیحی است که به شکل سالانه و به همت مشترک مرکز مطالعات دین و جامعه (آمریکا) و مؤسسه فلسفه و فرهنگ (مدرس-هند) منتشر می‌شود.

\*\* سشاجیری راتو (K. L. Seshagiri Rao) استاد هندی تبار مطالعات تطبیقی ادیان در دانشگاه کارولینای جنوبی است.

۱. اوتار (Avatar) در آیین هندو، تجلی یا تجسد خدایان بر روی زمین است.

۲. یوگی (Yogi) اصطلاحی است که مردان مقدس در آیین هندو به آن نام خوانده می‌شوند.

۳. ست‌گرو (Satguru) در زبان سانسکریت، «ست (sat)» به معنای «بودن» یا «وجود» است. «گرو (guru)» نیز به معنای «معلم، راهنما و رهبر معنوی» است که خود به بصیرت و اشراق نایل آمده است. بنابراین واژه «ست‌گرو» به معنای آموزگار یا راهنمای زیستن و بودن است.

۴. ساتیاگره (satyagreh) به معنای مقاومت ملایم و غیرخشن در برابر بلایای طبیعی و شرور انسانی است. «مقاومت منفی»، اصطلاحی بوده است که به نهضت گاندی برای استقلال هند اطلاق می‌شود.

۵. کرمه (Karma) در آیین هندو به معنای «قانون عمل» و «ناموس ازلی خلقت» است.